



شرح و تفسیر موادی از قانون مجازات اسلامی

قسمت بیست و ششم

محمد علی افوت

(عضو معاون دیوان عالی کشور)

خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است، شخص نگاهداری شده یا کسانش می‌توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد از دستور دادستان شکایت کنند، در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور شاکی و دادستان یا نماینده او با جلب نظر متخصص رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد شخص نگاهداری شده یا تأیید دستور دادستان صادر می‌کند، این رأی قطعی است ولی شخص نگاهداری شده یا کسانش هر شش ماه یک بار حق شکایت از دستور دادستان را دارند.

ب- هرگاه مرتکب جرم در حال ارتکاب به اختلال نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده دچار باشد به حدی که در ارتکاب جرم مؤثر واقع گردد مجازات به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱- در مورد جنایت، مجازات مرتکب حسب مورد یک یا دو درجه تخفیف داده می‌شود بدون این که از حداقل حبس جنحه‌ای کمتر شود.

۲- در مورد جنحه، مجازات مرتکب حداقل حبس جنحه‌ای است یا به جزای نقدی تبدیل خواهد شد.

آنها را تحت‌الشعاع قرار داده است و یا مبتلا به اوهام و احلام سمعی و بصری می‌باشند. مبتلایان به جنون ادواری کسانی هستند که گاه سالم و گاهی بیمارند که در زمان بیماری مسئول شناخته نمی‌شوند.

مقصود از اختلال دماغی، بیماری‌های مربوط به جنون اخلاقی، بیماری خواب، مستی، لالی و کسری است و بیماران مختل الاراده، کسانی هستند که دارای قوای کامل و متعارف از نظر عقلی هستند ولی تسلیم هیجان و وسواس می‌شوند که آنها را به سوی جرم سوق می‌دهد.^(۱)

در سال ۱۳۵۲، قانونگذار ایران با تغییر قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، به موجب ماده (۳۶)، مقررات جدیدی وضع کرد. به موجب بندهای این ماده:

۱- هرگاه محرز شود مرتکب حین ارتکاب جرم به علل مادرزادی یا عارضی فاقد شعور بوده، یا به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نخواهد شد؛ و در صورتی که مشخص شود چنین کسی حالت خطرناک دارد، به دستور دادستان تارفع حالت مذکور در محل مناسبی نگاهداری

مبحث سوم: واکنش قانونگذار ایران در باب جنون بند الف- قانون سال ۱۳۰۴ شمسی

در ماده (۴۰) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مقرر شده بود:

«کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت، در صورت تبانی، مجنون باید به دارالمجانین تسلیم شود.»

ملاحظه می‌شود قانونگذار سابق ایران از دو عبارت «مجنون» و «اختلال دماغی» نام برده است. دکتر محمد باهری در تفسیر فوق، بیماری‌های مربوط به جنون را به بیماری‌های مربوط به «قوای عاقله» و بیماری‌های مربوط به «اراده» تقسیم کرده و جنون را به جنون دایمی و جنون ادواری منقسم دانسته است.

مقصود از بیماری‌های مربوط به جنون، بیماری‌های ناشی از اختلالات ارثی در کودکانی که مغز آنها تکامل پیدا نکرده و بیمارانی که مبتلا به فلج عمومی شده‌اند و بیمارانی که اسیر یک فکر غلط و ثابت می‌باشند، است که کلیه استنتاجات

باعنایت به بندهای ماده (۳۶)، قانونگذار وقت با کنار گذاردن مفهوم جنون یا اختلال دماغی تعیین تکلیف کرده است که موارد زیر قابل توجه است:

۱- همانند قانون سال ۱۳۰۴، مناط رفع مسئولیت کیفری، وجود حالت روانی در زمان ارتکاب جرم است.

۲- رفع مسئولیت تنها در مورد مجرمینی است که به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار شده باشند.

۳- در صورت وجود حالت خطرناک در بند "الف"، وظیفه دادستان صدور دستور اعزام متهم به محل مناسب که می تواند بیمارستان یا آسایشگاه روانی باشد، می باشد و در نتیجه، اعزام متهمین بند "ب" برای درمان پیش بینی نشده است هر چند ممکن است در بند "ب" هم به رغم اختلال نسبی، حالت خطرناک موجود باشد.

۴- دستور دادستان قابل شکایت در دادگاه رسیدگی کننده به جرم بوده و در صورت تصمیم دادگاه بر تأیید نظر دادستان هر شش ماه حق شکایت از این دستور باقی است.

۵- اختلال نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده از عوامل رافع مسئولیت کیفری نیست، بلکه دادگاه می تواند حسب مورد در مورد جنایت یا جنحه در مجازات مرتکب تخفیف دهد.

۶- باتوجه به تبصره ذیل ماده مرقوم، مقررات تشدید مجازات در مورد مرتکبینی که دارای اختلال نسبی قوه تمیز یا اراده باشند، رعایت نمی شود و در صورت وجود تعدد و تکرار جرم، به اصل مجازات جرم ارتكابی محکوم می شوند و دادگاه می تواند مجازاتها را تا حداقل مجازات جنحه تخفیف دهد، و درباره مجازات اعدام یک درجه تخفیف الزامی است.

جنون در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در این دو قانون، قانونگذار جمهوری اسلامی با گذر از مفاهیم مطرح شده در ماده

(۳۶) قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، به مفهوم جنون مندرج در قانون سال ۱۳۰۴ رجعت نمود. مقررات این دو قانون تقریباً با همدیگر همسان است. در تبصره ماده (۲۷) قانون راجع به مجازات اسلامی و تبصره دو ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی، شرط رفع مسئولیت در جنون ادواری، جنون در حال ارتکاب جرم است.

در حقوق اسلامی، جنون از علل رافعه مسئولیت کیفری است و دلیل آن، حدیث "رفع" منقول از حضرت علی (ع) است که فرمود: «رفع القلم عن ثلاث: عن الصبی حتی یحتلم، عن المجنون حتی یفیک، عن النائم حتی یتتیق.»

ترجمه: از سه دسته، تکلیف برداشته شده است: از کودک تا زمانی که به مرحله بلوغ جنسی برسد، از مجنون تا زمانی که بهبود یابد، از شخص خواب تا وقتی بیدار شود.

فقها، جنون را به جنون دایمی (یا مطبق یا اطباقی) و جنون ادواری تقسیم کرده اند. از نظر اصطلاح حقوقی، جنون صفت کسی است که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است؛ و مواد (۵۷) و (۵۸) قانون امور حسبی و (۱۲۱۰) و (۱۲۱۳) قانون مدنی مشعر بر این تعاریف است. (۲) باتوجه به متون فقهی، در تمام جرایم وجود عقل یکی از شرایط مجازات مرتکب جرم است و به همین لحاظ، در قانون مجازات اسلامی نیز وجود عقل در حال ارتکاب جرم شرط لازم تعیین مجازات است؛ از آن جمله است شرط اجرای حد درباره مسکر، ماده (۱۶۶) و بند "۲" ماده (۱۹۸) در مورد سارق و ماده (۲۲۱) و تبصره ماده (۳۰۶) در مورد قتل و نظایر آن.

ماده (۲۲۱) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد، خطا محسوب و قصاص نمی شود، بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند.»

به موجب ماده (۲۲۲) همان قانون: «هرگاه عاقل، دیوانه ای را بکشد

قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد.»

مبنای این نظر، حدیثی است از امام محمد باقر (ع) که به موجب قسمتی از آن: «لا قود لمن لا یقاد منه»

ترجمه: کسی که در صورت ارتکاب قتل قصاص نمی شود (مانند دیوانه)، اگر مقتول واقع شود، فاعل قتل او (یعنی شخص عاقل) نیز قصاص نمی شود.

باتوجه به قاعده فوق و دو ماده (۲۲۱) و (۲۲۲)، چنین به نظر می رسد که در مورد طفل نیز باید چنین باشد؛ یعنی اگر طفل مرتکب قتل شود، قصاص نمی شود. قاتل طفل نیز نباید قصاص شود و حال آن که قانونگذار در مورد طفل، هر چند طفل مرتکب قتل را مستوجب قصاص نمی داند، ولی به موجب ماده (۲۲۳) مقرر داشته: «هرگاه بالغ، نابالغی را بکشد قصاص می شود.» که عدول از قاعده پیش گفته است. در واقع قانونگذار بین قاتل شخص مجنون و قاتل شخص نابالغ تفاوت قایل شده است. این نظر، نظریه مشهور فقهاست. امام خمینی (ره)، قتل صبی به وسیله بالغ رشید را مستلزم قصاص بالغ می داند، هر چند احتیاطاً بر صلح به دیه قرار داده اند (۳) که نظر غیر مشهور است.

مرحوم آیت اله خویی (ره)، نظر وفق قاعده داده اند و قاتل طفل را مستحق مجازات قصاص ندانسته اند، و به نظر مشهور عمل کرده اند. (۴)

حکم جنون در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، در مواد (۵۰) تا (۵۲) آمده است. به موجب ماده (۵۱): جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است.»

باتوجه به این ماده، جنون رافع مسئولیت کیفری باید در زمان ارتکاب جرم باشد. در صورت وجود جنون دایمی ظاهراً مشکلی به نظر نمی رسد، مشکل واقعی در مورد جنون ادواری است. به موجب تبصره دو ماده مرقوم: «در جنون ادواری، شرط رفع مسئولیت

در دادگاه است. بدیهی است صدور حکم به آزادی، به معنای مسئولیت مجنون نیست و ماده مرقوم اولاً؛ با شرط خطرناک بودن مجرم قابل اعمال است و ثانیاً؛ ممکن است کسی در زمان ارتکاب جرم مجنون بوده و در زمان دستگیری بهبودی پیدا کرده باشد یا این که با وصف جنون، حالت خطرناک نداشته باشد.

در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، به موجب ماده (۳)، یکی از اقدامات سالب آزادی، نگهداری مجرمین مجنون و مختل المشاعر در تیمارستان مجرمین به شمار آمده است و به موجب ماده (۴) همان قانون: «هرگاه مجرمین مجنون یا مختل المشاعر، محل نظم یا امنیت عمومی بوده و دارای حالت خطرناک باشند و دادگاه تشخیص دهد که برای جلوگیری از تکرار جرم، نگاهداری یا معالجه مجرم در تیمارستان مجرمین لازم است، در این صورت حکم به نگاهداری یا معالجه او در تیمارستان مجرمین خواهد داد و در مورد مجرمین نیمه مسئول که حکم مجازات و اقدام تأمینی با هم در مورد آنها صادر می شود، اجرای مجازات باید مؤخر بر اقدام تأمینی باشد.»

اجرای این قانون مستلزم ایجاد مؤسساتی که در قانون از آن نام برده شده است از جمله تیمارستان مخصوص مجرمین مختل المشاعر و دیوانه می باشد. و بانوجه به این که به موجب ماده (۱۹) قانون مرقوم، مقررات مواد (۴) و (۵) و (۶) و (۷) آن از تاریخی قابل اجرا خواهد بود که مؤسسات لازم برای اقدامات تأمینی در نظر گرفته شوند و مراتب از طرف وزارت دادگستری اعلام گردد، اعمال مقررات ماده (۴) به لحاظ عدم ایجاد مؤسسات مورد بحث به بوجه فراموشی سپرده شده است.

تأدیپ مرتکب مجنون: قانونگذار در تبصره یک ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی، اجازه تأدیپ مرتکب مجنون را داده است. به موجب این تبصره: «در صورتی که تأدیپ مرتکب مؤثر باشد به حکم دادگاه تأدیپ می شود.»

ادعای جنون متهم تجدیدنظر خواه را از موجبات نقض دانسته است. به موجب رأی شماره ۳۰/۷۹۸/۷۰ شعبه مرقوم: «تجدیدنظر خواه اعلام نموده که مبتلا به بیماری روانی است و در یکی از بیمارستانها دارای سابقه می باشد و نسبت به این قسمت نفیاً یا اثباتاً اتخاذ تصمیم نشده و روشن شدن کیفیت ادعای مزبور و صحت یا سقم ابتلائی به بیماری روانی در ماهیت قصد مؤثر می باشد.» (۵)

در صورتی که مرتکب مجنون حالت خطرناک داشته باشد، مقررات ماده (۵۲) قانون مجازات اسلامی، که در واقع باز نویسی مقررات مندرج در ماده (۲۶) قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ می باشد، قابل اجراست.



با این توضیح که در صورت وجود این حالت، به تشخیص متخصص، متهم مجنون به دستور دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود و شخص نگهداری شده یا بستگان او می توانند از تصمیم دادستان به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد، اعتراض کنند. دادگاه خارج از نوبت با حضور دادستان و معترض یا جلب نظر متخصصین به موضوع رسیدگی و حکم به آزادی شخص یا تأیید نظر دادستان صادر می کند. رأی صادر شده قطعی بوده و هر شش ماه یک بار قابل اعتراض از ناحیه شخص نگهداری شده یا بستگان او می باشد. تنها تفاوت این ماده با مقرر سال ۱۳۵۲، حذف شاکی برای حضور

کیفری، جنون در حین ارتکاب جرم است. اثبات این امر کار بسیار دقیق و مشکلی است و احتیاج به بررسی دقیق وضعیت روانی مرتکب در زمان ارتکاب جرم دارد. چنین به نظر می رسد که در این گونه موارد، بخصوص در پرونده های مهم مانند قتل، تشکیل پرونده شخصیت که نمایانگر وضع روانی مرتکب در زمان وقوع جرم و قبل و بعد از آن باشد، ضروری است. بنابراین، باز پرس یا قاضی تحقیق و مأمور رسیدگی کننده باید اطلاعات لازم در مورد انواع بیماری های عصبی و روانی داشته باشد و در جریان تحقیقات، از کمک روان پزشک و روان شناس بهره گیرد، چه بسا افرادی که در حال جنون مرتکب جرم شده اند و به لحاظ عدم توجه متصدیان تعقیب و کشف جرم، به ناحق مجازات شده اند. پیشنهاد می شود، در قانون آیین دادرسی کیفری، حداقل در مورد جرایم مهم یا جرایمی که مجازات اعدام یا حبس ابد یا قطع و نقص عضو دارد، تشکیل پرونده شخصیت الزامی شود. به هر حال استفاده از کارشناسان روان شناس و روانکاو و روان پزشک در مواردی که احتمال مجنون بودن مرتکب در زمان ارتکاب بزه می رود، توجیه می شود.

عبارت «به هر درجه که باشد» در ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی، مبهم است. از دیدگاه دانش روان شناسی بین سلامت و جنون طیفی وجود دارد که شناخت اجمالی آن برای قاضی رسیدگی کننده لازم است و این مهم جز با کنکاش در روحیه فرد بزه کار یا استفاده از دانش های مربوط حاصل نمی شود. چنین به نظر می رسد که تقسیم بندی قانونگذار سال ۱۳۵۲، که از عبارات اختلال تام یا نسبی شعور و اراده استفاده کرده بود، بیشتر مقرون به واقع است.

به هر حال، جنون و درجات آن در صورت ادعا باید در مراجع قضایی صالح اعم از مرحله تحقیق و محاکمه، چه در مرحله نخستین و چه در مرحله تجدیدنظر، به اثبات برسد. شعبه بیستم دیوان عالی کشور، عدم توجه به

تبصره فوق قابل انتقاد است؛ زیرا نقیض مقرره وضع شده در اصل ماده است که جنون در حال ارتکاب جرم را رافع مسئولیت کیفری می‌داند؛ چنین تأدیبی، اولاً: موجب تنبیه او نمی‌شود و هیچ‌گونه اثری ندارد و ثانیاً: موجب تنبیه دیگران نیز نیست، چرا که افراد جامعه تنبیه مجنون را مؤثر نمی‌دانند تا تنبیه حاصل آید. از این گذشته، قانونگذار میزان و چگونگی تأدیب را مشخص نکرده است. در مورد اطفال، چنانچه قبلاً اشاره شد، تنبیه اجازه داده شده و میزان آن موکول به مصلحت گردیده است، ولی در مورد مجنون چنین قیدی وجود ندارد. چنین تأدیبی خلاف سیاست کیفری است که قانونگذار به آن معتقد بوده و بر مبنای آن قایل به عدم مسئولیت کیفری مجنون در ماده (۵۱) شده است.

تکلیف مرجع قضایی در ارتباط با اثبات جنون مرتکب: پس از اثبات جنون، باتوجه به این که جنون در زمان ارتکاب جرم، یا بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم، یا بعد از صدور حکم، حادث شود، مرجع قضایی باید تصمیم لازم را اتخاذ کند.

الف - اثبات جنون در مرحله ارتکاب: در این صورت وفق ماده (۵۱) قانون مجازات کیفری، او را نمی‌توان تعقیب و مجازات کرد؛ این امر مانع از این نیست که دادگاه به جهت دیگر رسیدگی کند، به این معنا که اولاً: شرکا و معاونین جرم تعقیب و محاکمه می‌شوند و به موجب ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی، در صورتی که فاعل به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.

ثانیاً: ارتکاب جرم به وسیله مجنون مانع از رسیدگی به دعوای ضرر و زیان نیست، در این صورت دادگاه می‌تواند به دعوا رسیدگی و حکم به پرداخت خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم از اموال مجنون صادر کند و در مورد دیات، تبصره ماده (۳۰۶) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «جنایت عمد

و شبه عمد نابلغ و دیوانه به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می‌باشد.»

در صورت جنون، دادگاه قرار موقوفی پیگرد صادر خواهد کرد و اگر متهم حالت خطرناک داشته باشد، وفق ماده (۵۲)، به نحوی که گفته شد، تعیین تکلیف خواهد شد.

ب - جنون بعد از ارتکاب: در صورتی که متهم در زمان افاقه مرتکب جرم شده باشد، بدیهی است مسئول اعمال خویش است. تنها به موجب تبصره ماده (۶) قانون آیین دادرسی در امر کیفری، تعقیب مرتکب متوقف می‌شود و پس از افاقه، تعقیب ادامه خواهد یافت.

ج - جنون بعد از صدور حکم: بعضی از مجازاتها به فرض ظهور جنون قابل اجرا هستند؛ مانند محرومیت از حقوق اجتماعی و یا محرومیت از بعضی حقوق خانوادگی. اجرای مجازاتهای مالی و جریمه و ضبط اموال، با جنون منافات ندارد؛^(۶) ولی اجرای احکام مجازات سلب آزادی متوقف می‌شود، چون اجرای آنها در مورد مجنون اثری ندارد. به موجب ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی، هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود، با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید جنون، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می‌شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی، به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری خواهد شد.

تبصره ماده (۲۹۱) قانون آیین دادرسی در امر کیفری مقرر می‌دارد: «در صورت جنون محکوم علیه، تا بهبودی کامل در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود، ایام توقف در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب می‌گردد.»

باتوجه به ماده و تبصره فوق، در صورت بهبودی مجنون و باقی ماندن بقیه مدت حبس، محکوم علیه برای تحمل مابقی

مجازات به زندان برگردانده می‌شود. بعضی از حقوقدانان ادامه مجازات مجنون را پس از بهبودی قابل انتقاد می‌دانند. «ادامه مجازات بیمار روانی که مدتی را در بیمارستان گذرانده و اصولاً ارتباط فکری او با دنیای خارج و رفتارهای دوران سلامت عقلش قطع شده و جرم انجام یافته نیز نظیر غالب خاطره‌ها در دهلیزهای تاریک جنون از یاد رفته و فراموش شده است، نه توقعات اجرای مجازات را برآورده می‌سازد و نه عادلانه است.»^(۷)

و بالاخره نکته‌ای که در اینجا ذکر آن ضروری است این که، حکم عدم اجرای مجازات در مورد جنون تا زمان بهبودی، مشمول مجازاتهای مربوط به حدود نمی‌شود؛ برای مثال، به موجب ماده (۹۵) قانون مجازات اسلامی، هرگاه محکوم به حد، دیوانه یا مرتد شود، حد از او ساقط نمی‌شود. **ادامه دارد**

پی نوشت‌ها:

- ۱ - باهری، دکتر محمد، حقوق جزای عمومی، تقریرات درسی، پلی کیبی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، سال تحصیلی ۴۸-۴۷، صص ۲۴۱ تا ۲۴۶.
- ۲ - ترمینولوژی حقوق، جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، گنج دانش، تهران، ذیل ماده جنون.
- ۳ - امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ نجف، ص ۵۲۳.
- ۴ - مرحوم آیت‌اله سید ابوالقاسم خونی، مبانی تکملة المنهاج، چاپ نجف، صص ۷۱ و ۷۵.
- ۵ - بازگیر، یداله، علل نقض آرای کیفری در دیوان عالی کشور، ص ۳۵.
- ۶ - ر.ک: علی آبادی، دکتر عبدالحسین، حقوق جنایی، ج اول، انتشارات بانک ملی، ۱۳۵۳، صص ۲۰۲.
- ۷ - نوربها، دکتر رضا، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین، ص ۴۸۹.